احیای فلسفه اجتماعی دین در نهضت حسینی

علی ربانی خوراسگانی


بسم الله الرحمن الرحیم

احیای فلسفه اجتماعی دین در نهضت حسینی

نویسنده:

علی ربانی خوراسگانی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

احیای فلسفه اجتماعی دین در نهضت حسینی

مشخصات کتاب

نویسنده : علی ربانی خوراسگانی

ناشر : علی ربانی خوراسگانی

چکیده

در این نوشتار بر آنیم که محتوای «جنبش احیای دین» و ماهیت «نهضت احیای دین» را در قیام حضرت اباعبدالله (ع) بیابیم.در ابتدا به فلسفه اجتماعی اسلام یعنی «به پا داشتن و اقامه عدل» و اهمیت آن در «بینش اجتماعی اسلام» اشاره ای شده است و تأثیر عدالت را در تحقق اهداف مکتب اسلام مورد توجه قرار داده ایم.در نهایت با استناد به کلام امام حسین (ع) و با بهره گیری از اندیشه های محییان بزرگ اسلام در دوران معاصر (حضرت امام، آیت الله مطهری، آیت الله خامنه ای) نتیجه گرفتیم که به پا داشتن عدل و به عبارت دیگر «احیای فلسفه اجتماعی دین» مفهوم و معنای احیاگری نهضت حسینی است.بر اساس این مطلب ابتدا دیدگاه اسلام را در مورد مبنای اساسی و سنگ بنیادین جامعه اسلامی به کنکاش گذارده ایم و آنگاه میزان انطباق ماهیت نهضت احیای دین در قیام عاشورا را با آن بررسی کرده، دریافتیم که احیای فلسفه اجتماعی دین یعنی «اقامه عدل و قسط» ماهیت و مفهوم «آسیب زدایی» و «آفت زدایی» و احیای دین در نهضت حسینی است. به گونه ای که مسامحه در رسیدگی به این امر و سستی در علاج و درمان این بیماری اجتماعی در جامعه اسلامی به مرگ و هلاکت آن منجر خواهد شد و حیات مسلمین را در معرض «اضمحلال و نابودی قرار می دهد.»

فلسفه اجتماعی اسلام

بنابراین، منظور از فلسفه اجتماعی اسلام، بینش و دیدگاهی است که اسلام در باب اصول و قواعد اصلی تشکیل و تثبیت جامعه ارائه می دهد.فلسفه اجتماعی اسلام، طرز تلقی و نگرش دین را نسبت به مبانی زندگی اجتماعی نشان می دهد و بر این اساس اینکه جامعه چگونه باید

باشد بیان شده است.یکی از امتیازات و برجستگیهای اسلام، دارا بودن و بینش اجتماعی است؛ یعنی توجه به ارتباط محکم و کامل «سعادت فرد» با «صلاح جامعه».بر اساس این بینش، بذر کمال انسان در متن حیات اجتماعی سالم و در بستر نظام صحیح اجتماعی، امکان رشد و نمو دارد و جز با «اصلاح جامعه» نمی توان به حیات طیبه نائل شد و تعالیم اسلام در ابعاد اجتماعی بر این جهت و بر این مدار تعیین شده است اساسا اسلام، هدف کلی ادیان آسمانی را برقرار کردن «عدالت» می داند.«لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان لیقوم الناس بالقسط... حدید آیه ۲۵بیگمان پیامبران خویش را با دلایل روشن فرستادیم و با ایشان کتاب و مقیاس حق نازل کردیم برای اینکه مردم به عدالت قیام کنند» [۶] .حقیقت فلسفه اجتماعی اسلام، در این مسأله نهفته است پایه و مبنای زندگی اجتماعی و اساس مقررات بر عدالت استوار شده است. «عدل» ناموس بزرگ الهی است که در متن آفرینش ساری و جاری است.پذیرش عدالت به عنوان ناموس خلقت به این معناست که در تنظیم و تصحیح روابط اجتماعی نیز نقش اساسی دارد و در جامعه باید اجرا گردد تا ساختمان اجتماع پایدار و مستحکم بماند؛ بر این اساس، «اقامه عدل» و به پا داشتن عدل در جامعه و تلاش برای تحقق «عدالت اجتماعی نه عدالت فردی» در آیه فوق مورد تأکید است.«عدل، صفتی است که بازدهی اجتماعی، دارد؛ به جامعه تمنا می بخشد و حرکت اجتماعی، بیش از هر صفت دیگر به عدل شدیدا نیاز دارد». [۷] .البته عدالت، هدف غایی فرستادن پیامبران نیست، اما برای دستیابی انسان

به هـدفهای عـالی پیـامبران، ضـروری و «هـدفی» واسـط قلمـداد می شود؛ به عبـارت دیگر دستیابی به هـدفهای ادیان و اسـلام، متوقف به اصـلاح جامعه است و حذف بعد اجتماعی دین و عدم توجه به تعلیمات اجتماعی آن و تنزیل تعالیم اسـلام به عرصه زنـدگی فردی، مـانع تحقیق قطعی اهـداف اسـلام است.«مطمئنا اوضاع عمومی و بود و نبود عـدالت اجتماعی در ایمان مردم و اخلاـق مردم و حتی در افکـار و عقایـد مردم تأثیر دارد. در هر سه مرحله (اهـداف و دسـتورات دینی) تأثیر دارد هم در مرحله فکر و عقیـده، هم مرحله خلق و ملکـات نفسانی و هم مرحله عمل. [۸] .».از نظر اسـلام «رمز حیات جامعه اسلامی» و راز بقای آن این اسـتکه بر محور عدالت بچرخد و اگر یک جامعه، متعادل و بر مبنای عدل نباشد قابل دوام نیست و اگر ظلم و اجحاف و نتیجه تفاوتها و پست و بلنـدیها و ناهمواریها در جامعه ای پیدا شد آن جامعه باقی نمی ماند هر چند مردمش به حسب عقیده مسـلمان باشند. بر مبنای بینش قرآن، هلاکت و مرگ اقوام بر اساس انواع ظلم و تبعیض بوده است. [۹] .در اقامه و به پا داشتن عدالت، تأکید اساسی اسلام بر این است که اگر مجاری قدرت و حکومت که به منزله شیرازه و خمیر مایه جامعه اسلامی است بر مبنـای ظلم باشـد و حکومت در دست انسانهای نالایق و غیر شایسـته باشـد، به گونه ای که تبعیض و نابرابری و ظلم فردی و اجتماعی را روا بدانند. سـرنوشت جامعه اسلامی جز هلاکت و انحطاط و نابودی نخواهد بود؛ هر چند افراد به تنهایی در تلاش برای رسیدن به

صلاح و سداد باشند و ظاهر اسلام در جامعه نماگر آن باشد.بطور خلاصه خارج شدن حکومت از مبنای عدالت به متروک و مغفول ماندن اهداف اسلام منجر خواهد بود.تمام انبیا برای اصلاح جامعه آمده اند، تمام و همه آنها این مسأله را داشتند که فرد باید فدای جامعه بشود. فرد هر چقدر بزرگ باشد، بالاترین فرد که ارزشش بیشتر از همه چیز است در دنیا، وقتی که با مصالح جامع معارضه کرد این فرد باید فدا بشود. سیدالشهدا روی همین میزان آمد و رفت و خودش و اصحاب و انصار خودش را فدا کرد که فرد باید فدای جامعه بشود. جامعه باید اصلاح بشود. «لیقوم الناس بالقسط» باید عدالت در بین مردم در جامعه تحقق پیدا بکند. [۱۰] .پس در فلسفه اجتماعی اسلام، عدالت و بویژه عدالت در روابط بین حاکمان و مردم جلب توجه می کند و مهمترین جنبه عدالت اجتماعی در عادل بودن امامان و والیان جامعه مد نظر قرار گرفته است.

چهارچوب مفهومی

مفهوم دین

مفهوم «احیای دین» چیست؟ ماهیت احیاگری در مذهب به چه امری ناظر است؟ از توجه به معنی و مفهوم این اصطلاح، نگه داشتن دین و جلوگیری از موت و مرگ دین به ذهن متبادر می شود؛ به گونه ای که نشاط و طراوت و فعالیت و بالندگی و دیگر ویژگیهای حیات و زندگی را دارا باشد.اساسا این مفهوم از طریق ادبیات قرآن و فرهنگ اهل بیت، وارد جامعه اسلامی شده است.علی (ع) دوستان و رفقای خالص و مخلص خودش را... با این وصف یاد می کند که آنها دین را زنده نگه می داشتند... آنها که سنت پیامبر را زنده کردند و بدعت را می راندند. علی (ع)

عمار و ابن تیهان و ذوالشـهادتین و امثال اینها را محیی سنت پیامبر می خواند. [۱] .بنابراین، احیای دین بر نوعی آسیب شناسی متوقف است که محیی آن را تشـخیص می دهد و در نهایت می کوشد تا زنگار از چهره دین بزداید تا حقیقت و هویت واقعی آن هویدا گردد.محیی در ابتدا نوعی بیماری و آفت زدگی در پیکر دین احساس می کند که عدم رسیدگی به آن به هلاکت و مرگ دین و جـامعه دینی منجر می شود و سـپس عزم می کنـد که به «آفت زدایی» و «درمـان بیمـاری» بپردازد.آنکه طب را طب می کنـد بیمـاری شناسـی و آهنـگ درمـان بیمـاری است... آنچه برجـاست عزم طبـابت و دغـدغه درمان و هنر تشـخیص بیمـاری و ایمـان به وقوع بیمـاری و خروج از تعادل است... احیا نیز چنین است... احیا مبتنی بر نوعی شـناخت و دغـدغه و عزم اقـدام اسـت... آنچـه در عمـق و بـاطن وجـود دارد، دردی اسـت کـه دوسـتداران مکتـب را می گزد و علاـج نـاتوانی آن را از رویـارویی بـا مسائل طلب می کنـد.» [۲] .بنـابراین در کـار احیـای دین دورکن وجود دارد:۱- مسـأله شناسـی و معظل یابی۲- دغدغه و عزم اقدام برای گره گشایی. با فهم این موضوعات به ماهیت جنبش احیای دین و محتوای نهضت احیای دین نزدیک می شویم [۳] .امـا همچنـان موضوعـات دیگری نیز برای شـناخت جامع و کامل آن لازم است؛ همچون زمینه های احیا، شـیوه های احیا، مراحل احیا، و رهبری نهضت احیا، پیامدها، مخاطبان و معارضان احیا که در این مقال امکان بررسی آنها نیست. [۴]
در این نوشتار می خواهیم به برسی این نکته بپردازیم که کدام جنبه و بعد دین اسلام مورد غفلت و فراموشی قرار

گرفته بود که امام حسین (ع) در تلاش برای احیا و زنده کردن آن بود.

مفهوم فلسفه اجتماعی

مفهوم دیگری که در اینجا باید توضیح داده شود، «فلسفه اجتماعی» است. این مفهوم در کنار مفهوم «آیین اجتماعی» و در تمایز با مفهوم «نظریه اجتماعی» به کار می رود.در فلسفه اجتماعی، نگاه ما به جامعه، نگاهی فیلسوفانه است و «روش فلسفی» در رویارویی با واقعیتهای اجتماعی به کار می رود. فیلسوف اجتماعی در پی دستیابی به «ماهیت و هویت» حقیقی جامعه است و در این جهت نوعی احکام واقعی غیر تجربی را بیان می کند (یعنی احکامی که روابط پدیده های اجتماعی را بر اساس اصول و مبانی منطقی و عقلی نشان می دهد.)علاوه بر این، برای فیلسوف اجتماعی استفاده از احکام ارزشی (یعنی احکامی که به بیان روابط پدیده های اجتماعی بر اساس ارزش اخلاقی یا آرمان نظری می پردازد) را نیز مد نظر خود قرار می دهد.بنابراین در فلسفه اجتماعی «ماهیت حقیقی جامعه» بر اساس مبانی هستی شناسانه بیان می شود و «دیدگاهی پیشینی یا ماقبل تجربه» به شمار می رود؛ در حالی که بنیاد نظریه پردازان بر مشاهده واقعیتهای اجتماعی مبتنی است و نظریه پرداز می کوشد روابط پدیده های اجتماعی را بر اساس تجربه علمی و بدون داوری اخلاقی توصیف و تبیین نماید.بنای «نظریه اجتماعی» بر «روش علمی» مجموعه ویژگیها و خصوصیات آن را با خود به همراه دارد؛ مانند جزئیت (در مقابل کلیت فلسفه اجتماعی) نسبیت (در مقابل اطلاق فلسفه اجتماعی)در فلسفه های اجتماعی (مثلا در فلسفه افلاطون) هدف فیلسوف، اثبات این قضیه است که «جوهر، ذات، یا، طبیعت جامعه» همانا آرمانی است که می باید تحقق یابد. آیین های سیاسی و اجتماعی نیز در جستجوی راه ها و وسایلی

هستند که تحقق آرمان مذکور و رسیدن به حد نهایی آن را تسریع کنند. تئوری یا نظریه، در حقیقت قسمی ابزار فکری است که باید برای فهمیدن واقعیت به کار آید و مجموعه ای از پدیده ها را تحلیل کند و وجه اختلاف آن با آیین اجتماعی همین است. آیین باید کم و بیش کلی باشد، برعکس نظریه خوب که محدود و قانع است و یک نمود اجتماعی را شرح می دهد». [۵].

مفهوم احیای دین در نهضت حسینی

احقاق حق

حال باید با توجه به سخنان حضرت اباعبدالله، میزان توجه ایشان به فلسفه اجتماعی اسلام را بررسی کنیم.در واقع ایشان از هنگام امتناع ورزیدن از بیعت با یزید تا شهادت، که منازل و مواقف متعددی را طی کرده اند، سخنانی دارند که ماهیت قیام را بخوبی نشان می دهد.احیای معیارهای حق و برگرداندن مدار جامعه از سمت باطل آشکارا در بیانات حضرت مورد توجه است، امام (ع) هنگام خروج از مدینه می فرماید:«هر کس متابعت من کند و سخن حق از من قبول کند، سعادت و سلامت یابد و هر کس که خودداری کند و از دایره اطاعت من بیرون رود، صبر کنم تا آن وقتی که خدای تعالی میان من و او حکم کند. [۱۱] .»در جهان بینی اسلام، «حق» شأن و منزلت والایی دارد و باطل، نابوده شونده و میراست و اراده و مشیت الهی بر محو و نابودی باطل و تثبیت و جاودانگی حق است:«یرید الله ان یحق الحق بکلماته و یقطع دابر الکافرین لیحق الحق و یبطل الباطل و لو کره المجرمون» انفال آیات ۷ و ۸ خداوند می خواست که حق را با کلمات خود جایگزین کند و دنباله کافران را ببرد

تـا حق را و باطـل را تبـاه کنـد، اگر چه گناهکاران را ناخوش آیـد.بر این اساس، رعایت حقوق انسانی فوق العاده مورد تاکید قرار گرفته و خیـانت در حقوق عمومی خطرناکترین خیانتها دانسـته شـده است.حضـرت علی (ع) در خطبه ۲۱۴ نهج البلاغه به موضوع حقوق اجتمـاعی پرداخته، ضـمن بیان ویژگیهای حق می فرمایـد:«مهمترین حقوقی که خداونـد در این عالم قرار داده، حق والی بر رعیت و حقوق رعیت بر والی است و این حقوق را مـایه نظـام الفت و عزت قرار داده است.اگر این حقوق متبـادل شود آن وقت حق مطلقـا محتر می گردد، کـار دین درست می شود؛ محیـط و زمان اصـلاح می گردد. [۱۲] .»نکتـه ای که در اینجا باید آن اشاره کرد، «عدالت اجتماعی» و «رعایت حقوق» است. در واقع احقاق حقوق جز در پناه عدالت امکانپذیر نیست و مقتضای عدالت، رعایت اسـتحقاقهاست، آن چنانکه در تعریف عدالت گفته اند: العداله اعطاء کل ذی حق حقه. عدالت این است که حـق هر صـاحب حقی به خودش برسـد. [۱۳] .أمیرالمؤمنین (ع) مهمترین نوع حق را در بـاب حکومت دانسـته انـد به گونه ای که اصـلاح دین و احقاق حق را بطور کلی منوط به اصلاح حقوق حاکم و والی نسبت به مردم و بالعکس دانسته اند. سیدالشهدا نیز بزرگترین باطل را حکومت جور، و ضروری ترین حق را به پا داشتن حکومت عدل دانسته اند. ایشان در مطالبی که خطاب به مروان در مـدینه فرمود: آشـکارا به این امر اشاره کرد:«ای مروان یزید کیست که تو مرا به بیعت با او می خوانی؟ حال اینکه می دانی یزید مردی شـرابخوار و فاسق است. سـخنی نا اندیشیده و قبیح گفتنی... ای دشمن خدای، نمی دانی که ما اهل

بیت رسول خدابیم و همیشه حق بر زبان ما رفته است؟ من از جد خویش محمد رسول الله (ص) شنودم او گفت... خلافت حرام است بر آل ابی سفیان و بر طلقا [۱۴] » احیای سنت و سیره نبوی و علویحضرت در نامه ای خطاب به رؤسای بصره می فرمایند: انااادعوکم الی کتاب الله و سنه نبیه فان السنه قدامیت و البدعه قد احییت. من می خواهم بدعت را از بین ببرم. سنت را احیا کنم. زیرا سنت را میرانده بدعت را زنده کرده اند. [۱۵] .در اینجا دعوت به احیای سنت پیامبر شده است. باید توجه داشت که سنت پیامبر به مجموعه قول و فعل و روش پیامبر اطلاق می شود:سنت جز قول و فعل پیامبر – شیوه کار اجتماعی، روش عمل استراتژی مبارزه فکری – اجتماعی و چگونه آغاز کردن و از کجا آغاز کردن، چه نقشه ای را برای انجام مسئولیت اعتقادی و تحقق هدفهای اسلامی در جامعه اسلامی تعقیب کردن (است) که بعد سوم سنت است. [۱۶] .حضرت تعبیرهای دیگری هم دارند که آشکارا احیای سیره علی (ع) را بیان نموده اند ایشان در هنگام عزیمت از مدینه به جانب مکه در وصیت به برادر خود محمد حنفیه فرمودند:«من نه از روی خودخواهی و یا برای خوشگذرانی و نه برای فساد و ستمگری از مدینه خارج می گردم بلکه هدف من امر به معروف و نهی از منکر و خواسته ام از این حرکت اصلاح مفاسد است و احیا و زنده کردن سنت و قانون جدم رسول خدا (ص) و راه و رسم پدرم علی بن ابی طالب (ع) است.» [۱۷] .امام خود در این کلام اشاره می کند که من به قصد

ظلم و فساد (که فساد ناشی از ظلم است) قیام نکرده ام بلکه به نیت اصلاح امت جدم پیامبر اسلام و احیای سیره نبوی و علوی دست به نهضت زدم.حال باید دید، سنت و سیره نبوی و علوی چه بوده است؟ آیا جز بر مدار اقامه عدل و احقاق حق در بین مسلمین استوار بوده است؟ وقتی حضرت از مکه خارج می شوند و حر، مانع ادامه حرکت ایشان می شود، نامه ای به شرح ذیل برای جماعتی از بزرگان کوفه می نویسند:اما بعد، دانسته اید که رسول خدا فرموده است که هر کس سلطانی ستمکار ببیند که حرام خدای را حلال داند، عهد باری تعالی را بشکند؛ سنت پیغمبر او را خلاف کند و در میان بندگان خدای تعالی به ظلم و گناه زندگی کند، (اگر) کردار آن سلطان را نیکو داند و بر کردار او انکار نکند، سزاوار باشد که خدای تعالی او را در آتش دوزخ آرد. [۱۸] .از این جمله استنباط می شود که این انحراف خطرناک، که جامعه اسلامی را مشرف به مرگ کرده، انحراف در رهبری جامعه است آن گونه که واجبات دین را نادیده بگیرد و محرمات الهی را ترویج کند و جور و ستم را مبنا و شیوه زمامداری خود قرار دهد. این امر ناظر به اهمیت فلسفه اجتماعی اسلام در نگرش اصلاح طلبانه حضرت اباعبدالله است.امام خمینی در این باب می فرماید:امروز مطلب مهم است از مهماتی که جان باید پایش داد، همان مهمی است که سیدالشهدا جانش را داد برایش، همان مهمی که پیغمبر اسلام بیست و سه سال زحمت برایش کشید؛ همان مهمی است که حضرت امیر سلام الله علیه هیجده ماه

با معاویه جنگ کرده در صورتی که معاویه دعوی اسلام می کرد؛ دستگاه جائر بود باید به زمینش بزند، آنقدر از اصحاب بزرگوارش را به کشتن داد، آنقدر از اینها را کشت برای چه؟ برای اینکه اقامه حق بکند؛ اقامه عدل بکند. [۱۹] .بررسی حد فاصل وفات پیامبر تا قیام حضرت سیدالشهدا و نهایتا شهادت او نشان می دهد که با قدرت یافتن بنی امیه، اساس جامعه اسلامی بر ظلم و بی عدالتی بنا نهاده شده و این امر رخنه و خلل جبران ناپذیری در اسلام ایجاد کرده است.أمیرالمؤمنین علی (ع) در خطبه های ۹۷/۹۲ و ۱۰۷ نهج البلاغه، ویژگیهای فتنه بنی امیه را بیان می کند و از آن به «اخوت الفتن» تعبیر می کند یعنی ترسناکترین فتنه ها؛ چرا این فتنه این قدر مهم و قابل توجه است؟ زیرا به بیان أمیرالمؤمنین (ع) در خطبه ۱۰۷ (و لبس الاسلام لبس الفرومقلوبا) یعنی اسلام را می پوشند اما واژگونه. اسم مسلمانی وجود دارد امام رسم مسلمانی نادیده گرفته شده است. ایجاد طبقات و از بین رفتن مساوات و مخالفت عملی با اسلام در جامعه اسلامی مشهود است. [۲۰] .حال در این زمان که کیان اجتماعی اسلام در معرض نابودی است چه باید کرد؟ قیام. این حکم، ضامن زنده شدن اسلام است؛ در حالی که مشرف به مرگ شده است.امام حسین (ع) قیام کرد تا آن واجب بزرگی را که عبارت است از تجدد بنای نظام و جامعه اسلامی انجام دهد... این از طریق قیام و امر به معروف و نهی از منکر است و خود مصداق بزرگ امر به معروف و نهی از منکر است. [۲۱] .امام در جواب به نامه اهل کوفه این

گونه نگاشت:با مسلم بیعت کنید و یاری دهید او را. فرومگذارید که امامی که بر کتاب خدای تعالی کار کند و عادل و عالم باشد با امامی که ظالم و فاسق باشد برابر نیاید. [۲۲] .بنابراین آشکارا می توان گفت احیای عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی، اصل اساسی قیام حضرت اباعبدالله است. در واقع، آنچه حضرت اشاره کرده اند که خروجشان برای امر به معروف و نهی از منکر بوده، به پا داشتن عدالت است.یک وقت هست که موضوع امر به معروف و نهی از منکر است، موضوعی است که اسلام برای آن اهمیتی بالاتر از جان و مال و حیثیت انسان قائل است. (وضعیت) در سر حد به خطر افتادن عدالت است که قرآن صریح می گوید هدف انبیا برقراری عدالت در اجتماع بشری است... مسأله ظلم و عدالت - اصل و محور زندگی بشریت است... الا ترون ان الحق لا یعمل به و ان الباطل لا یناهی عنه؟ لیرغب المومن فی لقاء الله محقاآیا نمی بینید به حق عمل نمی شود؟ آیا نمی بینید قوانین الهی پایمال می شود؟ آیا نمی بینید این همه فساد پیدا شده و احدی نهی نمی کند و احدی هم بازنمی گردد در چنین شرایطی یک نفر مؤمن باید از جان خود بگذرد و لقای پروردگار را در نظر بگیرد [۲۳] .این است که حسین (ع) تداوم بخش راه و شیوه انبیا در متن جامعه اسلامی، و او وارث و میراثدار احیای فلسفه اجتماعی دین است که در زمانها و زمینهای مختلف به وسیله برگزیدگان خداوند، یک جریان پیوسته جهت داری به وجود آورد و سلسله واحدی تشکیل داده است که از آغاز بشریت تا پایان جهان و

آخر الزمان ادامه دارد.سلام بر تو ای وارث آدم: برگزیده خداسلام بر تو ای وارث نوح، پیامبر خداسلام بر تو ای وارث ابراهیم: دوست خداسلام بر تو ای وارث موسی: همسخن خداسلام بر تو ای وارث عیسی: روح خداسلام بر تو ای وارث محمد: محبوب خداسلام بر تو ای وارث علی: ولی خدا [۲۴] .

پاورقی

[۱] مطهری، مرتضی، مجموعه گفتارها، ص ۶۸.

[۲] سروش، عبدالکریم، تفرج صنع، ص ۳۶۷ – ۳۶۸.

[۳] اساسا شناخت دقیق محتوا و ماهیت یک پدیده اجتماعی همچون «نهضت اجتماعی» بسیار پیچیده و دشوار است. این امر ناشی از لایه های مختلف ساختمان و شکل پدیده اجتماعی است، تعبیر شهید مطهری در این باب حائز اهمیت است. پدیده اجتماعی می تواند چند ماهیتی باشد. اتفاقا قیام امام حسین از آن پدیده های چند ماهیتی است چون عوامل مختلف در آن اثر داشته است؛ مثلا یک نهضت می تواند ماهیت عکس العملی داشته باشد؛ یعنی صرفا عکس العمل باشد. می تواند ماهیت آغازگری داشته باشد... همه اینها در نهضت امام حسین وجود دارد. این است که این نهضت یک نهضت چند ماهیتی شده است. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، ج ۲، ص ۲۶۶ –۲۶۷.

[۴] برای استفاده از یک مبحث گسترده در این باره رجوع کنید به: سر مقاله مجله حوزه، ش ۲۰، خرداد و تیر ۱۳۶۶.

[۵] گورویچ، مندراس، مبانی جامعه شناسی (ترجمه: باقر پرهام) ص ۱۱ – ۱۲.

[۶] مطهری، مرتضی، تکامل اجتماعی انسان در تاریخ، ص ۷۸ – ۷۹.

[۷] صدر، محمد باقر، سنتهای تاریخ و فلسفه اجتماعی در مکتب قرآن، ص ۲۳۹.

[۸] مطهری، مرتضی، بیست گفتار ص ۷۹ – ۸۰ در پنج گفتار اول این کتاب بحث گسترده ای در باب عدالت

اجتماعی شده است.

[۹] صدر، محمد باقر، همان، ص ۸۸. [

[۱۰] مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تبیان دفتر سوم «قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی»، ص ۳۷.

[۱۱] ابن اعثم کوفی، قیام امام حسین (برگزیده از کتاب الفتوح) ترجمه محمد بن احمد مستوفی، هروی، ص ۱۷.

[۱۲] مطهری، مرتضی، حکمتها و اندرزها، ص ۱۱۷.

[۱۳] مطهری، مرتضی، بیست گفتار، ص ۱۱۰.

[۱۴] ابن اعثم کوفی، همان، ص ۱۰.

[۱۵] خامنه ای، علی (مقام معظم رهبری)، خطبه های نماز جمعه در عاشورای ۱۳۷۴، مورخ ۱۹ /۳ / ۷۴.

[۱۶] شریعتی، علی، م آثار ۲۶ ص ۲۰۴ - ۲۰۵.

[۱۷] سخنان حسین بن علی از مدینه تا کربلا - محمد صادق نجمی، ص ۳۷.

[۱۸] ابن اعثم کوفی، همان ص ۶۱ و ۶۰.

[۱۹] موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، همان ص ۶۰.

[۲۰] برای شناخت چگونگی تغییر ارزشهای بنیادین جامعه اسلامی در زمان بنی امیه و بویژه یزید بن معاویه روجوع کنید به شهیدی، جعفر، پس از ۵۰ سال و مطهری، مرتضی، حماسه حسینی ج ۱، بخش سوم تحلیل جامعه زمان امام حسین (ع) نشان می دهد در زمان یزید حتی ظاهر احکام اسلامی نیز محترم نبود.

[۲۱] خامنه ای، علی (مقام معظم رهبری)، همان.

[۲۲] ابن اعثم کوفی، همان، ص ۲۳.

[۲۳] مطهری، مرتضی حماسه حسینی، ج ۲، ص ۱۳۳، ۱۲۹.

[۲۴] شریعتی، علی، مجموعه آثار ۱۹، ص ۱۴ و ۱۵.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹